

مروری بر اقتصاد، در سالی که گذشت

اشاره

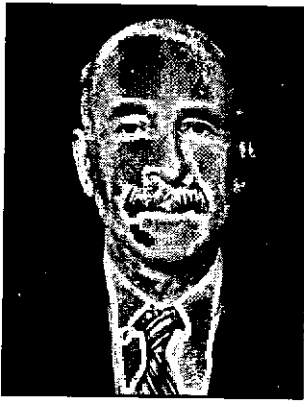
بسیاری از تحلیلگران و کارشناسان اقتصادی، سال ۸۰ را سال پرفراز و نشیبی برای اقتصاد کشور می‌دانند و رویدادهای اقتصادی این سال را تأثیرگذار

بر عملکرد سال‌های بعد توصیف می‌کنند. در آستانه سال جدید، به منظور بهره‌گیری از ظرفیت علمی استادان و صاحب‌نظران اقتصادی، به

نظرخواهی از چند تن از صاحب‌نظران اقتصادی در خصوص ارزیابی اقتصاد در سال ۱۳۸۰ پرداختیم که پاسخ این کارشناسان گرامی از نظر تان می‌گذرد.

دکتر مهدی تقوی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی:

کمیود سرمایه‌گذاری همچنان معضلی برای اقتصاد کشور است



▲ دکتر تقوی: در سال ۱۳۸۰ همچنان وارده‌کننده اکثر کالاهای مصرفی مورد نیاز مردم و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای بودیم.

دست می‌رود، چون ۱۲۹ میلیارد دلار از جریان سرمایه خارجی را چین و ۴۰۰ میلیارد دلار، آن را ایالات متحده آمریکا جذب کرده‌اند. آمار در مورد مقدار سرمایه جذب شده (آنهم فقط در صنعت نفت و گاز) هنوز برای عموم انتشار نیافته است.

فقر، عدم نظارت و کنترل هم مفسد اقتصادی و اجتماعی را افزایش داده است. دادگاه شهرام جزایری نشان می‌دهد که چگونه عده‌ای خاص با ارتباطات در کشور می‌توانند درآمدهای کلان بدست آورند. آمار اعتیاد، فحشا، فرار جوانان از خانه، دزدی و جنایت اعجاب‌آور شده است و این‌ها تا حدی ناشی از افزایش بیکاری و فقیرتر شدن مردم است.

سرانجام، در این سال شاهد اعتراض معلمان در مورد وضعیت معیشتی این گروه بودیم، که این تپها مشتی از خروار است.

با وجود همه این مسایل، جلد‌های بین گروه‌های مختلف سیاسی همچنان ادامه دارد. این تنش‌ها عدم اطمینان ایجاد می‌کند و سرمایه را فراری

به لطف خداوند، در این سال قیمت نفت افزایش یافت و اندکی گرفتاری اقتصادی کشور را کاهش داد. بخشی از بدهی‌های خارجی هم پرداخت شدند و ما صندوق ذخیره ارزی را ایجاد کردیم. موضوع داغ در این سال همراه با تغییر کابینه، دوباره مساله واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی است، که خدا کند مانند موج اول خصوصی‌سازی، دوباره به انتقال شرکت‌ها از یک بخش دولت به بخش دیگر (شرکت‌های سرمایه‌گذاری بانک‌ها) منجر نشود. برای اولین بار در این سال دولت پذیرفته است

○ سال ۱۳۸۰ از نظر اقتصادی سال چندان موفقیتی نبوده و اگر قیمت نفت افزایش نمی‌یافت، اوضاع از این هم بدتر می‌شد.

که اقتصاد ایران در وضعیت رکود تورمی است و وزیر امور اقتصادی و دارایی با اصلاح قانون مالیات‌ها و کاهش نرخ‌های مالیاتی به منظور افزایش سود دهی سرمایه‌گذاری و ترغیب کارفرمایان به تولید بیشتر، سیاست طرف عرضه را برای حل مشکل بکار گرفته است. از طرف دیگر، این معافیت‌ها اندکی درآمد مردم را که روز بروز فقیرتر می‌شوند، افزایش می‌دهد و امید است که با افزایش تقاضا نیز کمکی به افزایش تولید بشود (سیاست کینزی).

مساله دیگر این است که در این سال هنوز مشکل پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی حل نشده است. اگرچه بعید است که تصویب قانون در این مورد، بتواند سرمایه خارجی را به اقتصاد جذب کند، اما هنوز هم بر سر ورود سرمایه خارجی به کشور یا عدم ورود آن اختلاف نظر وجود دارد. فرصت‌ها در این سال هم از

در این سال، رئیس جمهور اعلام کرد که دولت از نظر عملکرد اقتصادی موفق بوده است. اما برخلاف نظر ایشان، شاخص‌های اقتصادی چنین چیزی را نشان نمی‌دهند. نرخ تورم اعلام شده به وسیله مقامات رسمی (۱۲ درصد) در مقایسه با آنچه مردم احساس می‌کنند، غیرواقعی است. کافی است که قیمت ساختمان‌های مسکونی و اجاره مسکن را در نظر بگیرید.

در سال ۱۳۸۰ دو معضل عمده اقتصاد ایران، یعنی تورم و بیکاری همچنان وجود داشتند. نرخ بیکاری دقیقاً اعلام نشده است، اما نگاهی به فارغ‌التحصیلان بیکار دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها، نشان می‌دهد که اقتصاد کشور نرخ بالای بیکاری را تجربه می‌کند.

کمیود سرمایه‌گذاری نیز همچنان معضلی برای اقتصاد کشور است. بانک‌ها هنوز نمی‌توانند منابع مالی جمع‌آوری شده از طریق پس‌انداز مردم را به بخش‌های تولیدی انتقال دهند. بازار زیر زمینی وام و اعتبار، به خاطر ناکارآمدی بازار پول و سرمایه رسمی، رونق بسیار دارد و نرخ‌های بهره کمرشکن، بسیاری از کارفرمایان را که به این بازار متوسل شده‌اند، به خاطر عدم توان اجرای تعهد، به زندان روانه کرده است.

در سال ۱۳۸۰ همچنان شاهد اعتراضات کارگران کارخانه‌هایی بودیم که تولید در آنها متوقف شده است. صنعت نساجی نیز با بحران شدید روبه‌رو بود.

در این سال، مانند گذشته همچنان وارد کننده اکثر کالاهای مصرفی مورد نیاز مردم و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای از خارج بودیم. صادرات غیرنفتی کشور نیز تنها در حول و حوش ۴ میلیارد دلار است که در مقایسه با صادرات کشورهایمانند کره جنوبی و ترکیه که بیست و پنج سال پیش از ما عقب‌تر بودند، بسیار ناچیز است.

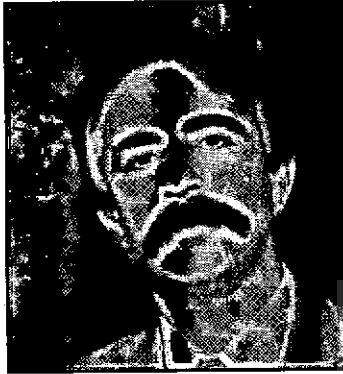
می‌دهد. کمبود سرمایه‌گذاری و این جو تنش‌زا باعث شده است که نیروهای متخصص و غیرمتخصص از کشور مهاجرت کنند. سرمایه‌انسانی برای افزایش تولید و بهبود وضعیت اقتصادی اهمیت بسیار دارد و فرار مغزها از نظر اقتصادی به کشور آسیب می‌رساند.

اقتصاد ایران منابع انسانی و غیرانسانی بسیار دارد و بهره‌برداری درست از آنها می‌تواند معضل تورم و بیکاری را در اقتصاد کاهش دهد.
سال ۱۳۸۰ از نظر اقتصادی سال چندان موفقی نبود و اگر قیمت نفت افزایش نمی‌یافت، اوضاع از این

هم بدتر می‌شد.
امید است که با برنامه‌ریزی، ارجحیت دادن به منافع ملی به جای منافع شخصی و شایسته‌سالاری، با سیاست‌های مناسب دولت و کاهش تنش‌ها، سال‌های بهتری را در آینده شاهد باشیم.

دکتر فریبرز رییس دانا، اقتصاددان:

یادداشتی کوچک درباره اخلاقی بزرگ در اقتصاد ایران



▲ دکتر رییس دانا: پول و نقدینگی در ایران باید پیش از هر چیز مناسب توزیع شود.

این، یعنی ۲/۶۵ برابر شدن نقدینگی در فاصله ۴/۵ سال، آیا در این ۴/۵ سال، درآمد سرانه و سرمایه‌گذاری واقعی و مصرف‌سرانه و شاخص عدالت و شاخص رفاه اجتماعی اساساً رشدی را نشان داده‌اند؟ اگر در بهترین شرایط، در مواردی مانند درآمد ناخالص ملی به قیمت ثابت در حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد رشد داشته‌ایم (که البته جمعیت نیز در حدود ۹ تا ۱۰ درصد رشد کرده‌است) اما از حیث توزیع درآمد و کارآمدی سقوط کرده‌ایم. رشد و انگیزه اثر بخشی این پول‌های منتشرشده و خارج از کنترل و تورم‌زا را باید در تصاحب سود و قدرت مادی و قدرت سیاسی که به تبع آن ظاهر می‌شود، جستجو کرد.

پول می‌تواند برای به حرکت درآوردن ماشین رشد اقتصادی، مانند انرژی باشد. من بر سر این

پول، وسیله مبادله است، ابزار مالی سرمایه‌گذاری است، وسیله پرداخت است. از یک سو، پاداش کار نیروی کار اجتماعی را به مصرف انواع کالاها تبدیل می‌کند و از دیگر سو، تیلوری از سرمایه و انباشت سرمایه است. پول اگر به مثابه قبض اعتبار یا وسیله پرداخت‌های معوقه کار می‌کند، باید در چارچوب وظایف یاد شده بالا باشد، وگرنه وقتی پول ابزار معاملات سودجویانه، ذخیره‌سازی قمارگرانه، کمک به بازار حباب‌های سهام تبدیل می‌شود، از خط و نقش واقعی خود خارج شده، به ایفای نقشی کشیده می‌شود که از خصلت‌های هرچ و مرج‌ساز، اخلاقی آفرین و نوسان‌ساز نظام سرمایه‌داری است.

در یک سرمایه‌داری ضعیف و وابسته، پول به گونه‌ای ناموزن و پراخلال و در عین حال، کم‌ثمر، در فعالیت تولیدی و رفاه اجتماعی بکار می‌افتد. اما برنامه‌ریزی دموکراتیک بر بستر ضرورت‌ها و واقعیت‌های مادی، می‌تواند نقش واقعی پول را به آن بازگرداند.

پول در ایران نقش عمده‌ای را در معاملات تورم‌زا و احتکاری دارد. پول هم ابزار سلطه و قدرت است و هم تمرکز و افزایش در آن، نتیجه چنین سلطه‌ای است.

نرخ رشد نقدینگی و پول همیشه بیشتر و گاه تا پنج برابر رقمی بوده است که در برنامه‌ها پیش‌بینی شده است، و شگفت آن که همه از بی‌پولی می‌نالند، به جز پولداران واقعی! دستگاه پولی کشور که باید وظیفه انتقال سالم منابع پولی در رگ‌های جامعه را از یک سو، و تأمین منابع مالی تورمی را از دیگر سو داشته باشد، چنان عمل می‌کند که گویا فشار پول، مانند فشار شکننده آب پشت سد، بر این دستگاه نیز مسلط است و کسی هم جلودار نیازهای پولی بخش احتکاری و سوداگرانه و تورم‌زای کشور نیست.

وقتی دولت آقای خاتمی بر سر کار آمد، نقدینگی کشور ۱۲۰ هزار میلیارد ریال بود، اما در پایان سال ۱۳۸۰ در حدود ۳۱۰ هزار میلیارد ریال برآورد می‌شود.

● نظام پولی ما در خدمت قدرت‌های سوداگری، ناعادلانه و ناسازگار با رشد و رفاه است.

موضوع تردید ندارم، اما قاطعیت نظرم مبتنی است بر شرایط واقعی اجتماعی و اقتصادی، یعنی چگونگی تصاحب، توزیع و کاربرد پول. هر نوع انرژی (حتی سوخت جت) را اگر همینطوری خام به داخل جت، یا خودرو، یا دوچرخه، یا درشکه بریزیم، این وسایل به راه نمی‌افتند، بلکه مکانیزم تبدیل این پتانسیل انرژی شیمیایی به انرژی جنبشی هم لازم است. باید آن مکانیزم را یافت و برای کارآمد کردن آن دست به اقدام زد.

در اقتصاد که شباهتی به مهندسی ندارد، مکانیزم‌ها یا آرایه‌بندی‌های اجتماعی و اقتصادی و انگیزه‌های تولید و توزیع سر و کار می‌یابد. پول و نقدینگی در ایران، باید پیش از هر چیز مناسب توزیع شود. اجازه بدهید مثالی بزنم: در برنامه سوم قرار بود سالانه در حدود ۷۰۰ هزار واحد مسکونی بنا شود، اما عملکرد ۳۵۰ تا ۴۰۰ هزار واحد شده است (البته این بهانه که منظور برنامه فقط شروع عملیات بوده است و

نه تکمیل آنها هم استدلال ما را به هم نمی‌زند) به این ترتیب، اگر واحدهای مسکونی جدید در مکان‌ها و شهرهای مناسب ساخته شوند، اولاً، از ازدحام جلوگیری می‌شود؛ ثانیاً، پول‌ها (و سرمایه‌ها) راهی معاملات زمین‌های گرانقیمت نمی‌شوند و هرچ و مرج و رانت زمین شهری را پدید نمی‌آورند؛ ثالثاً، هدف‌های برنامه محقق می‌شود و رابعاً، به ازای ۳۵۰ هزار واحد مسکونی که در برنامه پیش‌بینی شده‌است، در حدود ۸۵۰ هزار شغل ایجاد می‌شود، آنهم برای کشوری که ۳/۵ میلیون بیکار دارد. اما چرا چنین نمی‌شود:

- ۱- به خاطر آن که برنامه‌ریزی ما نادرست بوده است،
- ۲- به خاطر آن که عوامل مسکن و شهرسازی نه برنامه و نه ابزارها و نه روش‌های تحقق آن را می‌شناسند و بکار می‌برند،
- ۳- به خاطر اینکه نیرو و امکانات سرمایه‌گذاری در اختیار کسانی است که می‌خواهند از منابع را در ۳۵۰ تا ۴۰۰ هزار واحد مسکونی خاص و پردرآمد یا ثروت‌ساز متمرکز کنند. بدیهی است که این ساختار اجتماعی دستخوش تحول، در چارچوب برنامه و سیاست‌های اقتصادی قرار نمی‌گیرد.
- ۴- پول و توزیع اعتبارات در این میان نقشی

دکتر موسی غنی‌نژاد، استاد دانشگاه صنعت نفت:

نقدینگی به شدت بالا رفته و خطر تورمی برای سال‌های



آینده باقی است

به عنوان یکی از مهمترین رخدادهای اقتصادی سال ۸۰، باید به آغاز برنامه اصلاحات اقتصادی برنامه سوم توسعه اشاره کرد و یکسان‌سازی نرخ ارز و اصلاح قانون مالیات‌ها را هم از اهم این مصوبه‌ها دانست.

از نظر اقتصاد کلان، می‌بینیم که صادرات غیرنفتی در کشور افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته و نرخ تورم پایین آمده است. از طرف دیگر، مشکل بیکاری همچنان در کشور باقی است و نقدینگی به شدت بالا رفته و خطر تورمی برای سال‌های آینده وجود دارد.

حضور بانک‌های خصوصی از دیگر اقدامات مثبت دولت در سال ۸۰ بود که اگر تداوم یابد و به بانک‌های خصوصی اجازه حضور فعالتری داده شود، هم برای سرمایه‌گذاری و هم برای افزایش تولید مفید واقع خواهد شد، چرا که یکی از اهم مشکلات سرمایه‌گذاری در کشور، موضوع ناکارآمدی نظام بانکی و دولتی بودن آنها است و اگر بخش بانکی و غیردولتی رونق یابد، می‌توان به افزایش سرمایه‌گذاری در کشور نیز امید داشت.

در این سال، همچنان با توقف برخی از کارخانه‌های تولیدی مواجه بودیم، البته تعطیل کارخانه و اخراج و بیکاری کارگران در یک نظام اقتصادی پویا امری طبیعی است، یعنی کارخانه‌هایی که ناکارآمد هستند و توجیهی برای فعالیت اقتصادی ندارند، باید تعطیل شوند، اما آنچه فاجعه است، این است که کارگران این کارخانه‌ها پوشش اجتماعی لازم را ندارند و از آنها حمایت نمی‌شود.

تشکیل صندوق ذخیره ارزی موضوع مهم دیگری بود که در این سال اتفاق افتاد و دولت توانست جلوی نظام مدیریتی را بگیرد که از مازاد ذخیره استفاده نکند. از قرار، پیش‌بینی شده است که در سال آینده ۲ میلیارد دلار به نوعی برای تکمیل طرح‌های نیمه تمام وارد بودجه شود. اگر به این دو میلیارد دلار اکتفا شود، مساله مهمی نیست، اما اگر این شیوه ادامه یابد و دولت با کوچکترین فشار از صندوق ذخیره ارزی استفاده کند، نقض غرض کرده است.

موضوع دیگری که در این سال به چشم می‌خورد، رشد آمار بیکاران در کشور است که تابع ساختار جمعیتی ما است. البته این آمار در ۵-۶ سال آینده معکوس می‌شود و کاهش خواهد یافت، اما با

جدی را بازی می‌کند و مسوولان پولی کشور که در این عرصه وارد شده‌اند، باید در برابر هدف‌های برنامه پاسخگو باشند.

بحث من به بند چهارم مربوط می‌شود: اعتبارات در اختیار برج‌سازها قرار می‌گیرد. آنها از رانت زمین شهری برخوردارند، آنان توان پولی برای خرید مصالح و زمین و پرداخت دستمزد و احداث برج‌ها را دارند، آنان به آثار منفی کار خودشان برای رفاه اجتماعی و زندگی شهری و به آثار تورمی کار خودشان بهایی نمی‌دهند. اما باز هم از آن نقدینگی ۲/۶۵ برابر شده منتفع می‌شوند. وام برای خرید مسکن به ازای ۴۵ میلیون ریال که باید شش ماه معطل شود، ۳۵ میلیون ریال است. با این وام‌ها که تازه آن هم نصیب گروه کوچکی از مردم می‌شود، چه می‌توان کرد؟ - هیچ.

بنابراین، برج‌ها در مناطق خاصی از تهران به جای خانه در شهرستان‌ها ساخته می‌شوند و به جای تأمین نیازهای اقتصادی و اجتماعی مردم، به ویژه جوانان که می‌خواهند ازدواج کنند و ساکنان خانه‌های مخروبه که آسیب‌پذیر در برابر زلزله‌اند، سود پولی روی سود پولی می‌آید، محیط‌زیست در شمرانات و کوهپایه‌ها نابود می‌شود و جریان عرضه پول و نقدینگی هم به راه خود ادامه می‌دهد.

خیلی جالب است که وقتی از مسوولان پرسیده می‌شود که چرا خانه‌سازی به هدف‌های خود نرسیده است و نباید برسد؟ به عوض آن که نادرستی محاسبات خود را تأیید کنند و درخواست یاری کارشناسی برای اصلاح و وضع را داشته باشند یا کار را به کاردان واگذار کنند، از دلایل ناموجه استفاده می‌کنند. مثلاً می‌گویند احداث ۳۵۰ هزار واحد مسکونی اضافی به سیمان، آهن، گچ، کاشی، آلومینیوم و ... احتیاج دارد. آیا برنامه‌ریزان نباید امر به این سادگی را برآورد می‌کردند؟ وانگهی مگر نمی‌گوییم که ما صادرکننده آهن و سیمان شده‌ایم، پس چه طرفی از این صادرات می‌بندیم که با بکار بردن این مواد در داخل نمی‌توانیم ببندیم؟ واقعیت این است که برج‌سازی‌ها به مراتب بیشتر از استاندارد عادی مصالح ساختمانی بکار می‌برند و اگر متوقف شوند، می‌توانیم مصالح لازم برای خانه‌سازی موردنظر را فراهم آوریم (شاید در مواردی هم اندکی واردات لازم باشد، یا دست کم صرفنظر کردن از صادرات) چرا چنین نمی‌کنیم؟

پاسخ را نظام نابسامان و نا به هنجار توزیع پول و اعتبار می‌دهد. نظام پولی ما در خدمت قدرت‌های سوداگری، ناعادلانه و ناسازگار با رشد و رفاه است. در زمینه مسکن نیز این نظام است که به جای انباشت سرمایه توأم با رفاه و رشد توأم با برابری، به ناموزونی‌ها و اخلاص‌ها - هر دم - می‌افزاید.

▲ دکتر غنی‌نژاد: دولت در خصوص یارانه‌ها و چند نرخ بودنی قیمت‌ها در بازار پولی هنوز توانسته اقداماتی را انجام دهد.

وجود این، اگر نرخ رشد اقتصادی ما بالای ۶ درصد نباشد، با رشد بیکاران روبرو خواهیم بود. البته ناگفته نماند که برای حل این مشکل، فقط صرف بالا رفتن نرخ رشد قادر به حل مشکل بیکاری نخواهد بود، چرا که اکثر سرمایه‌گذاری‌های دولت عمرانی است و اشتغال‌زا نیست و لذا برای اشتغال‌زایی باید به سراغ بخش خصوصی رفت و در جهت غیردولتی کردن و تشویق بخش خصوصی و بنگاه‌های کوچک و متوسط حرکت کرد.

در خصوص یارانه‌ها و چند نرخ بودنی قیمت‌ها در بازار پولی دولت هنوز نتوانسته اقداماتی را انجام دهد و سیستم یارانه‌ای با اینکه از جهت ارزی اصلاح شده (تک نرخ شده) اما از نظر ماهیت وجودی مشکل هنوز باقی است و سیستم یارانه‌های انرژی هم به هیچ وجه اصلاح نشده است، به طوریکه رقم‌های واقعی تشدید شده و این وضعیت ما را به سوی فاجعه‌ای پیش می‌برد که همان اتلاف منابع عظیم انرژی است که به صورت سوخت مصرف می‌شود. البته دولت برای سال آینده تغییراتی را در قیمت‌ها پیش‌بینی کرده، اما آنچه مسلم است، هرچه فرآورده‌های نفتی ارزانتر در اختیار مردم قرار گیرد، مصرف بیشتر می‌شود.

نگاهی به بودجه سال ۸۱ نشان می‌دهد که حجم بودجه سال آینده زیاد است و احتمالاً مشکل‌ساز خواهد شد و ممکن است جریان تورمی ایجاد شود. از این رو، دولت باید برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور تدابیری را اتخاذ کند. خصوصی‌سازی رونق و رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط، و همینطور اصلاح قانون کار و تأمین اجتماعی از جمله موضوعاتی هستند که باید در قالب سیاست اقتصادی دولت در سال آینده در مدنظر قرار گیرند.

گردآوری: اشرف محمدتیا